



📌 توصیه‌های امنیتی به شهروندان

۱. از کلیک روی لینک‌های موجود در پیامک‌های مرتبط با طرح

خدمات پیامکی تاکید کرد که این شرکت‌ها موظفند محتوا و اصالت لینک پیامک‌های انبوه را بررسی کنند. در صورت عدم رعایت این مسأله و ایجاد خسارت، این شرکت‌ها به موجب قانون مسئول و ضامن خواهند بود.

تصمیم بزرگ در دوراهی

گاهی مادران در دوراهی سختی تصمیمی می‌گیرند که زندگی‌بخش است. دوراهی قصاص یا بخشش یا دوراهی اهدای عضو یا امید به بیرون از اغما. این مادران در یک لحظه باید تصمیمی سخت بگیرند.

بی‌بی‌تاج قرنجیک، مادر خدر اونق است که سال ۱۳۹۷ به قتل رسید. این مادر در لحظه‌ای که سرنوشت قاتل پسرش به تصمیم او بستگی داشت در سمت درست ماجرا ایستاد و قاتل را بخشید. او می‌گوید: «پسرم برای میانجی‌گری در یک دعوا سعی کرد یکی از طرفین را آرام کند اما او با ضربه چاقو خدر را کشت. زندگی ما بعد از قتل خدر نابود شد. پدرش دچار افسردگی شد، خودم سکنه کردم. از پس در عزای پسرم گریه کرده بودم چشمانم در حال ناپینا شدن بود و سه بار عمل چشم انجام دادم. در نهایت با درنظر گرفتن همه مسائل، تصمیم نهایی‌ام را گرفتم و یابین‌که در دلم خون‌گریه می‌کردم اما گذشت از قصاص را اعلام کردم. گفتم هیچ چیزی از خانواده قاتل نمی‌خواهم. تنها درخواستم این است که اینجا نباشند و به هرکجا که می‌خواهید تبعیدش کنید.»

گل‌بی‌بی لشکرانی، مادر دیگری است که بخشش را به جای قصاص انتخاب کرد تا زندگی‌بخش باشد. «یک روز در خانه نشسته بودیم که پسرم گفت مادر می‌روم برایت شیر بیاورم. گفتم برو اشکال ندارد، چون دوستش از گاو نگهداری می‌کرد و می‌خواست از او شیر بگیرد. تاشب خبری از منصور نشد و بیرون از خانه نشسته بودم که پسر همسایه آمد و گفت خاله کجایی که منصور را با چاقو زده‌اند. گویا آن شب قاتل حدود ۲۵ یا ۲۶ ساله، در تاریکی کمین کرده و یکی از دوستانش را برای درگیری با منصور جلو فرستاده بود و زمانی که پسرم و دوست قاتل با هم درگیر شدند، قاتل از تاریکی بیرون آمده و از پشت با چاقو به پسرم ضربه زد.»

این مادر در ادامه صحبت‌هایش به شرط عجیب برای بخشش قاتل اشاره کرد و گفت: «نمی‌دانم چطور شد که یک‌دفعه رحم به دلم افتاد، راستش بیشتر دلم به حال مادرش سوخت. قاتل، بچه‌ام را با نامردی کشت. او خیلی مظلوم بود و از انسانیت به دور بود که کسی از پشت او را با چاقو بزند. با این حال چون خودم داغ‌دیده بودم و می‌دانستم چه درد و عذابی دارد، برای همین نمی‌خواستم مادر دیگری همین درد

خداوند پیامکی تاکید کرد که این شرکت‌ها موظفند محتوا و اصالت لینک پیامک‌های انبوه را بررسی کنند. در صورت عدم رعایت این مسأله و ایجاد خسارت، این شرکت‌ها به موجب قانون مسئول و ضامن خواهند بود.

📌 توصیه‌های امنیتی به شهروندان

۱. از کلیک روی لینک‌های موجود در پیامک‌های مرتبط با طرح

نهضت ملی مسکن یا سایر موضوعات مشابه خودداری کنید.

۲. به شماره فرستنده پیامک توجه و از صحت منابع اطلاع‌رسانی اطمینان حاصل کنید.

۳. در صورت مشاهده تراکنش غیرمجاز یا کلیک اشتباه روی لینک

مشکوک، فوراً این اقدامات را انجام دهید:

-اینترنتن گوشی (دیتا و وای فای) را قطع کنید.

-هر برنامه ناشناس یا جدید نصب‌شده را حذف کنید.

-رمزهای بانکی، همراه‌بانک و سایر برنامه‌های حساس را فوراً تغییر دهید. در سریع‌ترین زمان ممکن با مدارک (پرینت تراکنش، اسکرین‌شات پیامک و ...) به پلیس فتا (تهران بزرگ یا نزدیک‌ترین شهرستان) مراجعه کنید.

شهروندان می‌توانند موارد مشکوک را به مرکز فوریت‌های سایبری پلیس فتا به شماره ۰۹۶۲۸۰ یا از طریق سایت www.fata.gov.ir گزارش دهند.



اظهارات همسر مقتول را ثبت کردم و بررسی صحنه جنایت به پایان رسید. بازپرس از من پرسید نظرت در مورد این جنایت چیست که گفتم هرچه باشد همسر مقتول اطلاع دارد. اگر صلاح می‌دانید همین جا در صحنه قتل او را بازداشت کنیم.

با دستور بازپرس جنایی، همسر مقتول به نام هاشم را بازداشت کردیم. صبح روز بعد او را برای بازجویی به اتاقم آوردم و باز هم همان حرف‌های تکراری را بیان کرد. چهار روز از او بازجویی کردم اما همچنان منکر ارتکاب جنایت بود.

با بررسی شرکنی که او در آن کار می‌کرد متوجه شدیم هاشم روز جنایت به محل کار رفته‌است. همین سرخ کافی بود تا او را برای بازجویی تخصصی از بازداشتگاه به اتاقم منتقل کنم. مرد جوان وقتی متوجه شد رازش فاش شده به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: چندی قبل به ارتباط همسرم و مردی غریبه مشکوک شدم. دنیا روی سرم خراب شد، چند بار از او درباره این ارتباط پرسیدم که مدعی شد اشتباه می‌کنم. این موضوع مثل خوره به جانم افتاده بود و رهایم نمی‌کرد. روز حادثه سر کار نرفتم و از همسرم خواستم واقعیت را بگوید و ارتباطش با آن مرد غریبه را فاش کند که او گفت هیچ ارتباطی ندارد. عصبانی شدم و دعوا کردیم، حین دعوا دهانش را با پارچه‌ای بستم و به تراس رفتم تا سیگار بکشم. وقتی برگشتم همسرم نفس نمی‌کشید برای نجاتش با چاقو سوراخی را در گلویش ایجاد کردم اما ساعتی بعد متوجه شدم همسرم فوت کرده است. نقشه کشیدم تا قتل را کار دزدان نشان دهم، نایلونی را سرش کشیدم و ادعا کردم که سارقان وارد شده و او را کشتند. با صحنه‌سازی می‌خواستم از جنایت فرار کنم، کلید را پشت در گذاشتم از خانه خارج شدم. شب هم بازگشتم و از همسایه‌ها کمک خواستم. فکر نمی‌کردم راز جنایت این قدر زود فاش شود.

قتل باورشان نمی‌شد اما داماد خانواده مرتکب قتل شده باشد و به نیکی از او یاد می‌کردند.

مرد همسرکش در تمام مراحل بازداشت و رسیدگی به پرونده آرام بود و همین باعث تعجب من شده بود. به نظرم این جنایت حاصل یک عصبانیت آنی بود.

هوای بهاری اردیبهشت سال ۹۶ به من انگیزه می‌داد که صبح‌های زود قبل از رفتن به اداره ساعتی را پیاده‌روی کنم. هو آن قدر خوب بود که برخی روزها با خودم خودرو نمی‌بردم و پیاده به محل کارم می‌رفتم.

آن زمان در اداره آگاهی پلیس یکی از شهرهای اطراف تهران به‌عنوان افسر ویژه قتل مشغول خدمت بودم. هفدهم اردیبهشت روز کشیک من بود و تا عصر تلفن رنگ نخورد و پس از پایان کار به سمت منزل رفتم. مشغول خوردن شام بودم که ساعت ۲۱:۳۰ افسر یکی از کلانتری‌ها تماس گرفت و گفت جناب سروان قتلی در یک آپارتمان رخ داده و یک زن قربانی جنایت است.

آدرس را گرفتم و سریع به سمت محل جنایت حرکت کردم. قتل در طبقه سوم یک آپارتمان تمیز و شیک رخ داده بود. وقتی وارد شدم در پذیرایی با جسد زن جوانی روبه‌رو شدم که ضربه چاقو به گلویش اصابت کرده بود.

قبل از من پزشکی قانونی رسیده و در حال معاینه جسد شده بود. تا پزشکی جسد را معاینه کند گشتی در خانه زدم و سعی کردم به جزئیات دقت کنم، هیچ چیز از جایش تکان نخورده بود. این نشان می‌داد زن قربانی سرت نشده و احتمالاً ردیای یک اشنادر جنایت وجود دارد. پزشک قانونی پس از معاینه جسد اعلام کرد که این جنایت حداقل ۷ تا ۱۰ ساعت قبل رخ داده است. شکل قرار گرفتن جسد و صورت مقتول نشان می‌دهد او ابتدا خفه شده و بعد چاقویی در گلویش فرو رفته است.

با دستور بازپرس ویژه قتل، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. به سمت مرد جوانی که قتل همسرش را اعلام کرده و در گوشه‌ای آرام‌اشک می‌ریخت، رفتم و از او خواستم هرچه می‌داند بگوید.

مرد جوان ادعا کرد: کارمند هستم. صبح به محل کار رفتم. شب وقتی به خانه بازگشتم کلید را داخل در انداختم اما انگار یک کلید از داخل در قفل بود که در آپارتمان باز نمی‌شد، هرچه به گوشی همسرم رنگ زدم تلفن را جواب نداد. نگران سراغ همسایه‌ها رفتم و از آنها پرسیدم همسرم را دیده‌اند که آنها گفتند خیر. با کمک همسایه‌ها قفل در خانه را باز کردیم و وارد شدیم. جسد همسرم را در پذیرایی درحالی که یک پلاستیک روی صورتش کشیده شده بود، پیدا کردیم و به پلیس اطلاع دادیم.

هشدار

جعل عنوان پلیس؛ خطاری جدی به شهروندان

مسئولانه و مستمر می‌توانند سطح آگاهی عمومی را ارتقا داده و شیوه‌های رایج کلاهبرداری و جعل عنوان را برای شهروندان تبیین کنند. انتشار گزارش‌های هشداردهنده، پرهیز از عادی‌سازی این جرائم و پیگیری مطالبات افکار عمومی تقویت امنیت اجتماعی بر عهده دارند. از سوی دیگر، تجربه این پرونده نشان می‌دهد سکوت قربانیان به دلایل شخصی یا نگرانی‌های اجتماعی، یکی از عوامل تداوم چنین جرائمی است. رسانه‌ها می‌توانند با پرداختن حرفه‌ای و بدون ایجاد انگ اجتماعی، شهروندان را به گزارش موارد مشکوک و طرح شکایت ترغیب کرده و این پیام را منتقل کنند که پیگیری قانونی، مسیر اصلی مقابله با مجرمان است. از منظر حقوقی، جعل عنوان مأموران دولتی جرم صریح محسوب می‌شود. بر اساس قانون مجازات اسلامی، هر فردی که بدون داشتن سمت رسمی، با معرفی خود به عنوان مأمور دولت از لباس و تجهیزات رسمی سوءاستفاده کند، به مجازات حبس تعزیری تا دو سال و رد مال محکوم خواهد شد.

در صورتی که این اقدام با اخاذی، کلاهبرداری یا تحصیل مال نامشروع همراه باشد، مجازات‌های شدیدتری برای مرتکب در نظر گرفته می‌شود. در نهایت مقابله با جرائمی از این دست، نیازمند هم‌افزایی میان پلیس، دستگاه قضایی، رسانه‌ها و شهروندان است. افزایش آگاهی عمومی، مطالبه شفافیت و گزارش سریع موارد مشکوک، می‌تواند مانع تکرار سوءاستفاده از اعتماد اجتماعی و سرمایه عمومی شود.



● بابک نمک‌شناس

رئیس مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ

دستگیری راننده تاکسی اینترنتی که با پوشیدن لباس فرم پلیس و استفاده از بی‌سیم، خود را مأمور معرفی و از زنان جوان اخاذی می‌کرد، بار دیگر نشان داد اعتماد عمومی تا چه اندازه می‌تواند دستاویز مجرمان قرار گیرد. سوءاستفاده از عنوان و ظاهر مأموران رسمی، نه تنها امنیت فردی شهروندان را تهدید می‌کند، بلکه به اعتبار نهادهای قانونی نیز آسیب می‌زند. شهروندان باید بدانند که صرف داشتن لباس فرم یا تجهیزات ظاهراً رسمی، ملاک مأمور بودن افراد نیست. مأمور واقعی نیروی انتظامی موظف است در صورت مطالبه، کارت شناسایی معتبر ارائه کند و اقدامات او باید در چارچوب مأموریت مشخص و قابل استعلام انجام شود. درخواست وجه، ورود به مسائل شخصی یا وعده حل مشکلات خصوصی، به هیچ وجه در حیطه وظایف قانونی پلیس تعریف نشده و باید به عنوان نشانه‌ای جدی از جعل عنوان و فریب تلقی شود. در این میان، نقش رسانه‌ها در مواجهه با چنین جرائمی قابل چشم‌پوشی نیست. رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی دقیق،

بایگانی

در این بخش به بازخوانی حوادث قدیمی می‌پردازیم که فقط برخی افراد سن و سال دار آنها را به یاد دارند. لازم به ذکر است دلیل قدیمی بودن ادبیات، نثر و نگارش این است که برای همان نسل بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. این هفته اخبار حوادث سال ۱۳۵۴ را با منبع دیده‌بان تاریخ مرور می‌کنیم.

پسری برادرش را کشت و سپس خودکشی کرد

برادر کوچک با سلاح خفیف پدر، برادر بزرگش را کشت و سپس خود را مجروح کرد، پنجشنبه گذشته به مأمورین کلانتری ۶ تهران اطلاع داده شد بین دو برادر در منزل شان تیراندازی شده که یکی از آنها به قتل رسیده و دیگری نیز خود را مجروح کرده است. مأمورین کلانتری به محل رفتند و در یکی از اتاق‌های طبقه بالا با جنازه حسن ۴۰ ساله که برادر بزرگ رحمان بود روبه‌رو شدند. بستگان رحمان گفتند چون او خود را نیز هدف قرار داده و مجروح شده به بیمارستان سینا انتقال یافته است.

جریان کشته شدن حسن به دادسرای تهران اعلام گردید و بازپرس شعبه ۶ دادسرا جهت تحقیقات به محل رفت. در تحقیقاتی که به عمل آمد گفته شد بین حسن و رحمان اختلاف پدید آمده و حسن برادر بزرگتر به صورت رحمان سیلی زد. پدر و مادر از گسترش اختلاف آنها جلوگیری کردند، اما رحمان در صدد انتقام برآمد و هنگامی که حسن به اتاق طبقه بالا رفت او سلاح پدر را برداشت و وی را هدف قرار داد و به قتل رساند و سپس تصمیم به کشتن خود گرفت و گلوله‌ای نیز به طرف خویش شلیک کرد ولی پدر و مادر آنها متوجه جریان شده و قبل از مرگ رحمان او را به بیمارستان رساندند.

رحمان در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفت و چون سن او کمتر از ۱۸ سال است دادسرای تهران پرونده را به دادگاه اطفال فرستاده است.

به خاطر ۲۰۰ تومان

پسری، پدر خود را کشت

جوانی پس از کشتن پدرش، مادر و عموی خود را با چاقو مجروح کرد. وی که کریم نام‌دار دارد، هنگام فرار در جاده‌لاهیجان– رشت با مینی‌بوس تصادف کرد و به سختی مجروح شد.

حادثه دیشب در روستایی در بخش سنگر اتفاق افتاد. کریم به بهانه‌ای با پدر خود محسن، کشاورز ۴۰ ساله مشاجره کرد و با چاقو او را مجروح نمود که بر اثر خونریزی شدید درگذشت.

کریم پس از کشتن پدرش، به طرف مادر ۳۵ ساله خود حمله‌رو شد و او را نیز با چند ضربه چاقو مجروح کرد!

هنگام فرار از خانه، با عموی ۵۰ ساله خود روبه‌رو شد و بخیال این که می‌خواهد او را دستگیر کند عمویش را نیز چاقو زد، ولی هنگام فرار در جاده رشت–لاهیجان با مینی‌بوسی که بسرست از جاده عبور می‌کرد تصادف کرد و مجروح شد.

کریم به بیمارستان پورسینا رشت انتقال یافت و بستری شد. در پاسگاه ژاندارمری سنگر پرونده‌ای تشکیل و به دادسرای شهرستان رشت ارجاع گردید.

بازپرس شعبه دوم دادسرای رشت مأمور رسیدگی به این پرونده شده است.

زن عموی متهم به قتل درمورد علت قتل گفت: کریم مدتی در یکی از بیمارستان‌های روانی تهران بستری بود و بناگزی از بیمارستان مرخص شده بود.

دیشب از پدرش مبلغ ۲۰۰ تومان پول خواست و پدرش قول داد این مبلغ را فردا برای او تهیه می‌کند. اما او با چند ضربه چاقو پدرش را کشت. از مقتول ۶ دختر و ۵ پسر به جا مانده است.

متهم به قتل که ۲۲ سال دارد در حال حاضر در بیمارستان پورسینا رشت به حال اغما به سر می‌برد.